



مصاحبه با

## آیه الله فهری

---

حوزه: لطفاً شمه‌ای از زندگی تحصیلی و علمی خود  
را بیان کنید.

---

\* معمولاً، شرح زندگی وقتی جالب و پسنندیده است که فردی دارای شخصیتی ممتاز و برجسته باشد که در این صورت، حتی حرکات عادی او مورد توجه قرار می‌گیرد. بر این مبنی خصوصیات زندگی پیشوایان دین و بزرگان، تا آن جا که امکان داشته ضبط و زینت بخش صفحات تاریخ شده است. مثلاً از رهبر کبیر انقلاب، حضرت امام، قدس الله سره، عکسهایی چاپ و منتشر شده که فرزند کوچکی روی ایشان را می‌بوسد و یا ایشان در کنار میزی ایستاده و از قوری به استکان چایی می‌ریزد. پیداست که این عکسها، از اشخاص عادی، هیچ‌گونه جذآبیتی ندارد؛ اما از همچون امامی چطور؟

اگر آدمی دارای شخصیتی نباشد که به اعمال و افعالش جلوه دهد، باید نقاط برجسته و ارزنده‌ای در زندگی داشته باشد که بیان آنها جهت بخش مردم به سوی کمال باشد و اگر نه آن دارد و نه این، همچون من عمر تباہ که:

نه شکوفه‌ای نه برگ‌گی نه ثمر نه سایه دارم متحیرم که دهقان به چه کار کِشت ما را  
بهرتر همان که خاموشی گزیند و زحمت دیگران نپسندد!

حوزه: آشنایی حضرت عالی، با حضرت امام از چه  
زمانی و چگونه بوده است.

به سال ۱۳۱۸ شمسی که به قصد ادامه تحصیل، به قم مشرف شدم، مرحوم پدرم، که از  
دوستان قدیمی و صمیمی مرحوم آیه الله آقای حاج سید احمد زنجانی شیرازی بود، مرا به  
ایشان سپرد. آن بزرگوار در میان جمعی بود که شمع آن جمع، حضرت امام، رحمة الله علیه،  
بود. از این طریق افتخار آشنایی با حضرت امام، نصیب من شد: «وللارض من كأس الکرام  
نصیب».

حوزه: ویژگیهای بارز حضرت امام که باعث  
شیفتگی و جذب حضرت عالی به ایشان شده است،  
چیست؟

من چه گویم یک رگم هشیار نیست  
یک دهان خواهم به پهنای فلک  
ور دهان یابم چنین و صد چنین  
وصف آن یاری که او را یار نیست  
تا بگویم وصف آن رشک ملک  
تنگ آید در بیان آن امین

حوزه: در رابطه با احیای آثار به جا مانده از امام،  
رحمة الله علیه، چه پیشنهادی دارید.

با بودن فرزند خلف و روشن بین و دلسوزی مانند حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج  
سید احمد خمینی، دامت برکاته، و عنایتی که بخصوص نسبت به آثار پدر بزرگوارشان  
دارند، همچون منی را نرسد که در این مورد اظهار نظر کند. «رحم الله امرء عرف قدره ولم  
یتعد طوره».

حوزه: در صورت امکان، پاره‌ای از ابعاد شخصیت  
حضرت امام را بیان کنید.

این قدر هم گرنگوم ای سند شیشه دل از ضعیفی بشکند  
ابعاد شخصیت حضرت امام، گوناگون است و می‌توان مجموع آنها را در آثار باقیمانده  
از او مشاهده نمود: «إِنَّ آثَارَنَا تَدُلُّ عَلَيْنَا» نظری کوتاه و گذرا به آثار علمی امام، ابعاد  
مختلفی را از ایشان ترسیم می‌کند؛ زیرا همان گونه که اثر، از وجود مؤثر حکایت می‌کند،  
همچنین از خصوصیات و ویژگیهای مؤثر نیز کشف می‌کند.

کتاب گلستان حاکی از گرد آورنده آن است و در عین حال، جملات زیبا و دل‌فریب  
آن، نمایانگر ذوق ادبی مؤلف و اشعار لطیف و پرمحتوا و آموزنده آن، بیانگر قدرت شاعری و  
حکمت گوینده آن است؛ بنابراین، در بررسی هر اثر، نه تنها باید به وجود آن اندیشید، بلکه  
باید در ویژگیها و خصوصیات آن نیز تأمل کرد.

از آثار فراوان حضرت امام، به آنچه این ناچیز با ترجمه آن ارتباط داشته‌ام اشاره می‌شود:

۱. شرح دعای سحر: نخستین اثری که به، خامه حضرت امام تحریر یافته شرح دعای  
سحر است. ایشان این کتاب را در سال ۱۳۴۷، در حالی که بیش از ۲۷ بهار از عمر  
شریفشان نگذشته بود، مرقوم داشته‌اند. چنانچه خودشان در پایان کتاب می‌فرمایند:

«وقد وقع الفراغ بيد شارحه الفقير المذنب... في التاريخ السبع والاربعين وثلاثمائة بعد

الالف من الهجرة.»

۲. مصباح الهداية الى الخلافة والولاية: در این کتاب، اسماء و صفات الهی و حقیقت  
خلافت الهیة محمدیه و علویة و بسیاری از معارف متعالیه عرفان، به گونه‌ای بدیع شرح یافته  
که نظیر آن افکار بلند موجود در این کتاب، در کمتر کتابی مشاهده می‌شود. متن این دو  
کتاب، با مقدمه‌ای از این ناچیز، با طبع زیبایی در بیروت و ترجمه آن دو، به فارسی به  
وسیله این بنده، در ایران، مکرر به طبع رسیده است.

در یکی از تشریقاتم به دست بوسی فرمودند: شرح دعای سحر غلط چاپی بسیار دارد و  
اضافه فرمودند: غلط‌نامه‌ای برای آن بنویسید.

در امثال امر، متوجه شدم که برای تأمین نظر مبارکشان، باید کتاب مجدداً طبع شود؛ لذا طبع دوم با شرحی اضافی، طبع و نسخه‌ای تقدیم حضورشان گردید.

### ۴۳. اسرار الصلوة یا صلوة العارفين وآداب الصلوة:

این دو کتاب، مربوط به بزرگترین عبادت اسلامی است که تجسم بخش عبودیت انسان است. و به عقیده ایشان، عالی‌ترین تحفه و ره‌آوردی است که در سفر معراج احمدی با کشف تام محمدی از مقام قاب قوسین او آذنی تهیه شده و برای امت مرحومه به ارمغان آورده شده است.

**ومی فرموده است:** « تاکنون خامه‌ای به حریم اسرار این تحفه آسمانی راه نیافته است. »  
حضرت امام این دو کتاب را به دو گونه که یکی کاملاً خصوصی است و دیگری جنبه عمومی دارد نگاهشته‌اند. در مقدمه آداب الصلوة می‌فرمایند:

«ایامی چند پیش از این، رساله‌ای فراهم آوردم که به قدر میسور از اسرار صلوة در آن گنجانیدم و چون آن را با حال عامه تناسبی نیست، در نظر گرفتم که شطری از آداب قلبیه این معراج روحانی را در سلک تحریر در آورم، شاید برادران ایمانی را از آن تذکری و قلب قاسی خود را تأثیری حاصل آید.»

ولی با این حال در بسیاری از موارد، به تعبیر خودشان، عنان قلم از دست رفته و مطلب آن چنان اوج می‌گیرد که از اسرار الصلوة نیز پیشی می‌گیرد. این دو کتاب بی‌ظنیر، به وسیله این ناچیز به عربی ترجمه شده و به نامهای: «سر الصلوة او صلوة العارفين» و «الآداب المعنویة للصلوة» در کشورهای عربی منطقه، در سطح وسیعی، بحمدالله انتشار یافته است.

۵. کتاب اربعین: شرح چهل حدیث، یادگار دورانی است که حضرتشان مبتکرانه درس اخلاق را در مدرسه فیضیه شروع کرده و در پرورش اخلاق طلاب و فضلا اثر شایانی داشت. نگارش این کتاب، در عصر روز جمعه چهارم شهر محرم الحرام سنه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری، پایان یافته و در عین همگانی بودن، بحثهای اختصاصی نیز دارد، خصوصاً چند حدیث آخر که بحث درباره مشیت الهی و جبر و تفویض، بحثهای اسماء و صفات الهی و بحث ولایت است که فهم کامل مطالب آنها مخصوص دانشمندان و اهل اصطلاح می‌باشد.

چهار حدیث اول این کتاب شریف را در زمان حیات حضرت امام، این ناچیز با پاورقی

نسبتاً مبسوطی، طبع کردم و بسیار مورد استقبال تشنگان زلال معارف امام قرار گرفت. در نظر داشتم که به همان نحو ادامه بدهم، ولی طبع اصل کتاب خللی در تصمیم ایجاد کرد. گرچه هنوز نیز، به خاطر پیشنهادات بسیاری که شده، انصراف کامل ندارم. تا که مشیت الهی چه اقتضا کند.

۶. طلب و اراده و امر بین الامرین: این رساله، از یک نظر فلسفی و از نظر دیگر، رساله‌ای است اصولی. متن این رساله عربی و به قلم خود حضرت امام است. ترجمه کامل و شرح مختصر رساله مزبور نیز به قلم این جانب طبع و نشر شده است.

---

حوزه: لطفاً، از نوآوریها و ابتکارات حضرت امام، در عرفان، اگر ممکن است، بفرمایید.

---

\* در این چشم انداز، حضرت امام را در مسائل مربوط به عرفان، عارف کامل می بینیم که برای خود اندیشه‌های عرفانی خاصی داشته است.

حضرت امام، اگر چه از مکتب بزرگان عرفا، همچون: محیی الدین بهره برده و عرفان پیراسته از گرایش تستن او را به نحو احسن ذوق کرده بود، ولی در عین حال، افکار عرفانی ظریفی داشت که از محیی الدین گوی سبقت را ربوده است. مثلاً از محیی الدین نقل می فرمایند که می گوید:

«مردم درباره خدا و عالم در اشتباهند بدین معنی که عالم را ظاهر و خدا را غایب می دانند، در صورتی که مطلب به عکس این است، بلکه خدای تعالی ظاهر و عالم غایب است.» سپس از عارف کامل، قاضی سعید قمی نقل می فرماید که به گفته محیی الدین اعتراض کرده و فرموده است:

«این سخن از نظر توحید دیگری درست نیست، بلکه خدای تعالی ظاهر در همه عوامل غیب و شهود است.»

سپس خود ایشان اظهار نظر می فرمایند:

«در دید توحیدی خاص الخاص، اساساً، غیب و شهودی نیست؛ بلکه «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَابْنَمَا تَوَلَّوْا فَسَمَّ وَجْهَ اللَّهِ» و می توان گفت: شکوفایی نظرات حضرت امام،

مرهون استادش آیه الله شاه آبادی بوده که هرگاه به نام ایشان در نوشته هاشان می رسند می فرمایند: «شیخ عارف کامل ما، شاه آبادی، روحی فدا، می فرمودند»

به بیانی دیگر: همگی می دانیم که عرفان عرفا، برای خود آنان تجلی گاه دارد: تجلی علمی و تجلی عملی. از نظر تجلی علمی، حضرت امام را باید استاد مؤسسی دانست که در برابر اساتید خود نیز، دارای مبانی بود.

و اما از نظر عملی، برای کسانی روشن است که از نزدیک با ایشان مراوده داشته تهجدها، شب زنده داریها، مناجات های درونی، و مکاشفه های روحانی او را از نزدیک لمس کرده باشند.

همین قدر یاد آور می شویم که: حضرت امام از شنیدن یک جمله عارفانه، یک بیت عرفانی و یک قطعه از صحیفه سجّادیه، سخت تکان می خورد. به شهادت نزدیکان، اشک بر چشمان او حلقه می زد، گویی پیوسته خود را بریده از این جهان می دید و در فکر لقاء و وصل بود.

در حوزه اخلاقی، از اخلاق یونانی، بسان اخلاق غربی، سخت منزجر بودند و در درس اخلاق به روایات اهل بیت، علیهم السلام، دل می بستند.

و دیگر مکاتب اخلاقی را یک نوع مکاتب انزوا آفرین و یا یک نوع مبادله سود و سرمایه می دانستند، بالاخص اخلاق یونانی که بر اساس جلب منافع، پی ریزی شده است. از نظر فلسفه، مکتب صدر المتألهین را می ستودند، زیرا در آن، برهان و عرفان را به هم آمیخته دیده و شریعت را پشتوانه هر دو می دانستند و در حقیقت، می دیدند که عرفان و فلسفه شریعت در آن به یک نقطه منتهی می شوند.

ولی در عین حال، کراراً، می فرموده: «در آیات قرآن و احادیث اهل بیت، علیهم السلام، بالاخص صحیفه سجّادیه در جمله های کوتاه، به بلندترین اندیشه های فلسفی اشاره شده و این گواه بر آن است که گویندگان این کلمات، در مکتب دیگری پرورش یافته و چنین ارمغانی را به همراه آورده اند.»

ما در عین تشریح یک بعد از ابعاد روحی حضرت امام، از درون خجالت زده و شرمساریم که هرگز نتوانستیم، حتی نیم رخی روشن از این بُعد ترسیم کنیم.

فسلام الله علیه یوم ولد ویوم مات ویوم یتعث حیاً.